

بررسی تأثیر تحولات اجتماعی - سیاسی بر زندگی خیر الدین زرکلی و معاصرانش

فاطمه قجری*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۵

عنایت الله فاتحی نژاد**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۲

چکیده

خیر الدین زرکلی شخصیتی چند بعدی است که در طول زندگی خود و به گواهی کتاب‌ها و آثاری که از وی بر جای مانده، در عرصه‌های مختلف سیاسی، ادبی، تاریخی و اجتماعی فعالیت داشته است. مهم‌ترین اثر وی «الأعلام» در شرح احوال بزرگان و مشاهیر (از روزگاران کهن تا دوران معاصر) از چنان شهرتی برخوردار است که بقیه جوانب زندگی وی به‌خصوص فعالیت‌های او در عرصه شعر و ادب و روزنامه نگاری را تحت الشعاع قرار داده است. وی ادیب، روزنامه‌نگار و شاعری با چندین اثر ادبی و نیز دیوان شعری است که هر کدام در جای خود دارای اهمیت هستند. بنابراین معرفی جایگاه ادبی وی در ادبیات معاصر عربی و در میان معاصرانش و نیز بررسی آثار ادبی و نیز مضامین شعری او از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. این مقاله که به روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالی نگاشته شده است، به شرح زندگی و آثار خیر الدین زرکلی در زمان حیات و پس از مرگ وی پرداخته است.

کلیدواژگان: زرکلی، تاریخ معاصر عرب، ادبیات عرب.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

fatemeh.ghajari@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: عنایت الله فاتحی نژاد

مقدمه

در میان اعراب شعر بیش از نثر عرصه بروز یافت و از سجع آغاز شد و به ارجوزه‌ها رسید و از آنجا به اوزان مختلف راه یافت. دوره‌های ادب عربی نیز در سه نهضت منحصر می‌شود: نهضت جاهلی و اموی، نهضت عباسی، و نهضت جدید. این دوره‌ها از عصر جاهلیت شروع می‌شوند و تا ظهور اسلام و بعد از آن به حمله مغول و تأثیر آن بر ادب عربی کشیده می‌شوند. بر اساس موشکافی‌های تاریخی و ادبی و مطالعه تطبیقی زبان‌شناسانه باید به اصالت شعر جاهلی نظر داد و شعر عربی پس از آن دچار تحول و دگرگونی گردید و شاعران معروفی چون *امرؤ القیس* و *زهیر و اعشى* پیدا شدند که هر کدام سبک و بینش خاصی داشتند و تصویر خاصی در شعر خویش نمایان کردند. با آمدن اسلام ادب و زبان عربی نیز از قرآن و اسلام تأثیر پذیرفت و ارزش و اهمیت یافت که از صورت یک زبان قومی و محلی در گوشه‌ای محجور از دنیا به موقعیت یک زبان مهم جهانی نایل گردید و با مشارکت مؤثر همه مسلمین به‌ویژه ایرانیان، گسترش و دامنه‌ای کم‌نظیر یافت و آثار و آثار بی‌شماری در موضوعات گوناگون به عربی نوشته شد.

خیر الدین بن محمود بن محمد زرکلی دمشقی در سال ۱۸۹۳ م/ ۱۳۱۰ ق در بیروت متولد شد. والدین او اهل دمشق بودند و پدرش از تجار بیروت به شمار می‌رفت. *خیر الدین* در دمشق نشو و نما یافت و به مدرسه رفت. از نوجوانی به کتب ادبیات علاقه‌مند شد و شعر نیز می‌گفت. در انتشار مجله‌ای هفتگی با عنوان «اصمعی» شرکت داشت. بعدها به بیروت رفت و به تحصیل ادامه داد و همانجا به تدریس تاریخ و ادبیات عرب پرداخت. هنگام جنگ جهانی اول به دمشق بازگشت و روزنامه «لسان العرب» را راه اندازی کرد و پس از آن روزنامه دیگری را منتشر نمود. با ورود فرانسویان به دمشق، زرکلی به فلسطین، مصر و سپس حجاز گریخت؛ چون فرانسویان املاک او را ضبط کرده و غیاباً حکم اعدام او را صادر کرده بودند. در سال ۱۹۲۱ تابعیت حجاز را گرفت و به سمت معاونت فرزند پادشاه منصوب شد. به این جهت مسافرت‌هایی به مصر و قدس و اردن انجام داد و در تأسیس حکومت اردن نقش داشت و عهده دار مناصب دولتی شد.

با لغو حکم اعدام وی از سوی فرانسه، به دمشق بازگشت و خانواده‌اش را به اردن آورد. پس از آن و با دور شدن از مشاغل حکومتی، به مصر رفت و چاپخانه‌ای ایجاد کرد

و کتاب‌هایی از جمله کتب خود را منتشر نمود. با قیام مردم سوریه بار دیگر محکوم به اعدام شد. ناچار چاپخانه را فروخت و به حجاز برگشت. زرکلی مدتی در بیت المقدس نیز فعالیت‌های فرهنگی داشت. خیر الدین زرکلی عضو مجمع علمی دمشق و بغداد هم بود. او مسافرت‌هایی به کشورهای انگلیس، آمریکا، یونان و تونس داشت.

از آثار وی می‌توان به این موارد اشاره کرد: «ما رأیت وما سمعت» (سفرنامه)، «عامان فی عمان» (خاطرات پایتخت اردن)، «دیوان شعر»، «الأعلام»، «شبه الجزیره فی عهد الملك عبد العزيز» (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۷/۸). وی آثار دیگری در ادبیات، تاریخ، شعر و نثر داشته است که گویا منتشر نشده است. «الأعلام» مشهورترین اثر زرکلی است که فرهنگ زندگینامه‌ای سرشناسان عرب، عرب‌زبان مسلمان و مستشرقان در ۸ جزء است (بعلبکی، ۱۹۹۲: ۲۲۰).

این روزنامه نگار، رجل سیاسی شاعر و نویسنده سوری الأصل بیش‌تر شهرت خود را مدیون کتاب «الأعلام» است که دایرة المعارفی بزرگ درباره شخصیت‌های برجسته محسوب می‌شود. شهرت کتاب «الأعلام» به حدی است که بقیه جوانب زندگی وی را تحت الشعاع قرار داده است و به ویژه در مجامع علمی و دانشگاه‌های ایران زرکلی را بیش‌تر به عنوان یک دایرة المعارف نویس یا «موسوعه نگار» می‌شناسند و اغلب دانشجویان از فعالیت‌های دیگر وی در زمینه شعر و ابداعات شاعرانه او و نیز مبارزات سیاسی او در قالب سرودن اشعار انقلابی و تأسیس روزنامه‌های سیاسی و اجتماعی و نقشی که در تحولات سیاسی و ادبی مصر و لبنان و سوریه داشته، کم‌تر آگاهی دارند.

نسب زرکلی که بدان شهرت یافته در اصل زرکی (یا زرقلی) منسوب به قبیله‌ای است به همین نام از قبایل نسبتاً معروف سوریه که بعدها و در دوره عثمانی به زرکلی تغییر یافت (آل جندی، ۱۹۵۴: ۳۸۷). این قبیله شاخه‌ای از خوارج ازارقه بوده که به مناطق کردنشین سوریه مهاجرت کرده و با آنان درآمیختند (داهن، بش؛ علاونه: ۱۲).

خیر الدین از پدر و مادری دمشقی در بیروت در ۱۳۰۹ متولد شد (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۷/۸؛ دهان، ۱۹۶۸: ۱۴۵-۱۴۶). پدرش در بیروت به کار تجارت اشتغال داشت و پس از آنکه از شغل خود دست کشید و به همراه خانواده و فرزند هفت ساله‌اش خیر الدین به دمشق بازگشت. چندی نپایید که زرکلی در ۱۳۲۰ پدر خود را از دست داد و ثروت

هنگفتی به او رسید(داهن، بش). از آن پس مدتی را در بیروت و دمشق گذراند و چون جنگ جهانی اول درگرفت در دمشق رحل اقامت افکند و تجارتخانه‌ای در آنجا تأسیس کرد، سپس به کسب علم روی آورد و در مدارس شبانه همچون مدرسه «عثمانیه» به تحصیل علم پرداخت مقدمات علوم را در مدارس عالی دمشق و به شیوه سنتی فرا گرفت. استادان وی در این دوره عبارت‌اند از: *عبد القادر بدران* (۱۸۶۴-۱۹۲۷)، *طاهر بن صالح جزایری* فقیه اصولی و حنبلی مذهب. وی در ادبیات و تاریخ و نیز سرودن شعر تبحر داشت و سلفی مذهب بود. *محمد بن عبد الرزاق* کرد علی رئیس مجمع علمی دمشق و بنیانگذار آن و صاحب امتیاز مجله «المقتبس» که از مهم‌ترین آثار وی «خطط الشام» است. *محمد کامل القصاب* که از پیشگامان و رهبران استقلال طلب سوریه است و مؤسس مدرسه «الکاملیه» دمشق و صاحب تألیفات ارزشمند است از جمله کتاب «النقد والبیان». *ابو الخیر میدانی* که از علمای مشهور دمشق بود و در مراکز اسلامی به تدریس علوم دینی می‌پرداخت. *جمال الدین القاسمی* (۱۸۶۶-۱۹۱۴) از علمای دمشق و شاعران شناخته‌شده سوریه (کیالی، بی‌تا: ۱۲۷؛ داغر، ۱۹۸۳: ۳۱۵؛ الحافظ: ۲۱۵).

زرکلی پس از کسب درجات علمی و برخورداری از محضر علما و استادان دمشق به تدریس در مدرسه «الکاملیه» پرداخت که بعدها به مدرسه «الهاشمیه» شهرت یافت. وی در ۱۹۱۶ به خدمت سربازی فراخوانده شد و هنوز شش ماه از خدمتش نگذشته بود، که از سربازخانه گریخت و چون *جمال پاشا* سربازان فراری را به اعدام تهدید کرد، قصایدی در مدحش سرود و مورد بخشش قرار گرفت. *جمال پاشا* در مقابل این عفو از او خواست تا کتابی مشتمل بر شرح احوال شاعرانی که در مدحش شعر گفته‌اند بنگارد و او به نگارش شرح حال مشاهیر و بزرگان را که از قبل شروع کرده و هسته‌های نخستین کتاب «الأعلام» وی را تشکیل می‌داد مشغول شد، و *جمال پاشا* را در این خواسته‌اش ناکام گذاشت.

وی سپس به بیروت رفت و در یکی از مدارس فرانسوی آنجا به تدریس تاریخ و ادبیات عرب مشغول شد (زرکلی، الأعلام، ۲۶۷/۸؛ دهان، ۱۴۶). اما دوباره به دمشق بازگشت و در آنجا رحل اقامت افکند و ضمن مطالعه آثار کهن به سرودن شعر پرداخت (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۷/۸؛ دهان، ۱۹۶۸: ۱۴۵؛ الحافظ: ۲۱۵). مجموعه «عبث الشباب»

نخستین مجموعه شعری او با مضمونی اجتماعی-میهنی بود که بعدها در آتش سوخت (دهان، ۱۹۶۸: ۱۴۶؛ بکری، بی تا: ۱۴۶؛ قنبس، ۲۰۱۱: ۸۲).

او هم‌زمان فعالیت‌های سیاسی-ادبی خود را تحت تأثیر نهضت فکری ادبی-فرهنگی که توسط محمد کردعلی (۱۸۷۶-۱۹۵۳م) پا گرفته بود آغاز کرد و به دنبال آن به روزنامه نگاری روی آورد (کیالی، بی تا: ۱۲۷؛ صبری، بی تا: ۲۳). نخستین تجربه خود را در زمینه روزنامه نگاری با چاپ هفته نامه «الاصمعی» در ۱۹۱۲ آغاز کرد که به دلیل چاپ تصویری رمزآلود از مأمون خلیفه عباسی توسط حکومت عثمانی توقیف شده به دنبال آن زرکلی از دمشق رانده شد (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۷/۸؛ دهان، ۱۹۶۸: ۱۴۶؛ عیاش، ۲۲۲). زرکلی در اشعاری که میان سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۲۵ سروده است به خاندان عباسی و ظلم و ستم ایشان بارها اشاره دارد که تلویحاً مقصود وی ظلم و ستمی بود که حکام سوریه نسبت به مردم روا می‌داشتند (مانند: زرکلی، ۱۹۸۰: ۸۲؛ نیز: دهان، ۱۹۶۸: ۱۸۱).

سؤال تحقیق

۱. زرکلی در ادبیات معاصر عربی و در میان ادیبان و شاعران و روزنامه نگاران معاصر خود از چه جایگاهی برخوردار است؟

اهداف تحقیق

معرفی و تحلیل آثار منثور و منظوم زرکلی و بررسی ویژگی‌های سبک نوشتاری و شعری وی با تکیه بر تألیفات و مقالات و دیوان اشعار وی و تبیین جایگاه او در میان ادیبان و شاعران معاصرش.

بیان ضرورت‌های انجام تحقیق

بیش‌تر محققان و دانشجویان زرکلی را با کتاب «الأعلام» و به عنوان نویسنده شرح حال می‌شناسند. حال آنکه وی ادیب، روزنامه نگار و شاعری با چندین اثر ادبی و نیز دیوان شعری است که هر کدام در جای خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین معرفی جایگاه ادبی وی در ادبیات معاصر عربی و در میان معاصرانش و نیز بررسی آثار

ادبی و نیز مضامین شعری او از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است و برای دانشجویان و محققین می‌تواند سودمند باشد.

پیشینه تحقیق

درباره کتاب «الأعلام» وی پژوهش‌های فراوانی انجام شده که در مجلات، نشریات و نیز جشن‌نامه‌ها به چاپ رسیده است اما درباره جایگاه ادبی و اشعار وی اثر مستقلاً تألیف نشده و تنها به طور پراکنده می‌توان به مطالبی در این باره در کتاب‌ها و مجلات علمی دست یافت.

زرکلی در جنگ جهانی دوم

وی پس از ۱۹۱۸ و در بحبوحه جنگ جهانی دوم و رانده شدن ترک‌های عثمانی از خاک سوریه همچنان به شغل رونامه نگاری اشتغال داشت، و خود نیز مقالاتی در انتقاد از سیاست‌های حاکمان عرب و برای روشن ساختن اذهان مردم نخست در روزنامه «لسان العرب» که خط مشی ملی-میهنی داشت، و سپس در نشریه «المفید» منتشر می‌کرد. در همین دوره قصیده «یا لیل الصعب» را که بازتاب اندیشه‌های عرب‌گرایانه وی بود، سرود و با همکاری یوسف حیدر در نشریه «المفید» در دفاع از اندیشه‌های پان عربیسم و راندن ترک‌ها از سرزمین‌های عربی و حمایت از تشکیل حکومت ملک فیصل منتشر ساخت (زرکلی، ۲۰۰۵، ۲۶۷/۸؛ کیالی، بی‌تا: ۱۲۸؛ صبری، بی‌تا: ۲۱). این همکاری تا ۱۹۲۰ هم‌زمان با حادثه میسلون و ورود فرانسوی‌ها به خاک دمشق و مبارزات آزادی‌خواهان با آنان ادامه یافت. در این سال حکم اعدام زرکلی و جمعی از یارانش چون شکری الطباع و احمد قدری به اتهام دشمنی با فرانسه صادر شده و اموال آنان مصادره گردید (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۷/۸؛ کیالی، بی‌تا: ۱۲۸؛ دهان، ۱۹۶۸: ۱۴۸، قنبس، ۲۰۱۱: ۹۸). برای اشعاری که در آن‌ها شاعر سران ارتش فرانسه را مستقیماً مورد حمله قرار داده است (زرکلی، ۱۹۸۰: ۱۲۷). پس از واقعه میسلون (۱۹۲۰) که در آن سوری‌ها به رهبری یوسف العظمه (۱۸۸۴-۱۹۲۰م) مقابل استعمار فرانسه و نیروهای ژنرال گورو ایستادند (بغدادی، بی‌تا: ۲۵۹-۲۶۰)، زرکلی دمشق را به قصد فلسطین ترک

کرده و از آنجا به مصر رفت و به جرگه مبارزان و نیروهای انقلابی پیوست (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۷/۸؛ همو: ۱۹۸۰: ۱۱۶-۱۱۸). زرکلی پس از چند ماه اقامت در قاهره به دعوت پادشاه حجاز ملک حسین و به امید برخورداری از حمایت‌های او در جهت رهایی شام از یوغ استعمار فرانسه و انگلیس وارد حجاز شد و تابعیت این کشور را پذیرفت. وی در این زمان مدتی را در طائف گذراند و کتاب «ما رأیت وما سمعت» را در شرح سفر خود به حجاز نوشت و تا ۱۹۲۱ در آنجا رحل اقامت افکند (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۷/۸؛ کیالی، بی‌تا: ۱۲۸). زرکلی در حجاز سمت بازرسی کل وزارت معارف و ریاست دیوان عالی دولت به او واگذار شد. در همین دوران مناطق شرقی اردن به مرکز تجمع ملی‌گرایان و آزادی‌خواهان سوریه مبدل شده بود و گروه‌های بسیاری از روشنفکران از مناطق مختلف سوریه به آنجا گریخته بودند که از مشهورترین این شخصیت‌ها می‌توان به محمد الشریفی، نبیه العظمه، رشید طبع و جوده الرکابی اشاره کرد. در همین هنگام زرکلی که مواضع سیاسی او از همه انقلابیان مقیم عمان تندتر بود، از سوی ملک حسین مأموریت یافت تا فرزندش /امیر عبدالله را در تأسیس نخستین دولت عمان یاری کند (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۸/۸؛ ابودیه، ۱۴۰۹: ۶۲؛ آل جندی، ۱۹۵۴: ۳۸۸). وی این مأموریت را پذیرفت زیرا امید داشت از این طریق و با کمک /امیر عبدالله آزادی‌خواهان سوری و مقیم عمان را علیه حکام سوریه متحد و یکپارچه سازد و آمال و آرزوهای مردم کشورش را تحقق بخشد. اما علی‌رغم تلاش وی /امیر عبدالله که با دولت انگلیس کنار آمده بود، از هرگونه کمکی در این زمینه خودداری کرد. زرکلی میان سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۳ در عمان اقامت داشت و هرچند در برخی مسائل سیاسی با /امیر عبدالله همکاری داشت، اما از اینکه در حمایت از روشنفکران و آزادی‌خواهان سوری هیچ اقدامی نکرده بود، بسیار ناخشنود بود و این ناخشنودی و عدم رضایت خود از سیاست‌های محافظه کارانه وی را در کتاب «الأعلام» و نیز کتاب «عامان فی عمان» که طی دوران اقامتش در عمان نوشته، اظهار کرده است (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۸/۸؛ دهان، ۱۹۶۸: ۱۴۹؛ طلاس: ۱۰۹؛ کیالی، بی‌تا: ۱۲۸-۱۲۹). وی در دیوانش نیز ضمن ابیات بسیاری عملکرد /امیر عبدالله را مورد انتقاد قرار داده و برآشفتگی و رنجیدگی خاطر خود را از سیاست‌های وی ابراز داشته است (زرکلی، ۱۹۸۰: ۱۴۰، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۵۳-۱۵۵، ۱۵۷، ۱۹۱-۱۹۲).

فعالیت‌های زرکلی پس از استعمار فرانسه

در ۱۹۲۳م هم‌زمان با رهایی مصر از سلطه استعمار فرانسه به این کشور رفت و چاپخانه‌ای در آنجا تأسیس کرد و علاوه بر کتاب‌های خود آثار بسیاری را چاپ کرد (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۸/۸؛ کیالی، بی‌تا: ۱۲۹، دهان، ۱۹۶۸: ۱۴۹). وی در این دوره با تألیف آثار و سرودن اشعار به مبارزات خود ادامه داد و در ۱۹۲۴ قصیده «نجوی» را سرود که در محافل اجتماعی و سیاسی مصر مورد توجه بسیار قرار گرفت (زرکلی، ۱۹۸۰: ۲۱).

در ۱۹۲۵ و به دنبال انقلاب سوریه مبارزات سیاسی و گرایش‌های فکری زرکلی وارد مرحله جدیدی شد تا آنجا که برخی از آن با عنوان انقلاب فکری زرکلی یاد کرده‌اند. وی از آن پس به سرودن قصاید تند ملی و حماسی پرداخت که در بیداری اذهان عامه و تحریک آنان برای مقابله با استعمار نقش بسیار مؤثری داشت (آل جندی، ۱۹۵۴: ۳۸۸؛ جزایری: ۱۶۷).

برخی از این اشعار را خود منتشر ساخت و برخی دیگر در نشریات سوریه منتشر شد. این قصاید که از سبکی ساده و عامه پسند و موسیقی روان برخوردار بود به زودی بر سر زبان‌ها افتاد و خشم حکومت فرانسه را برانگیخت، چندان که برای بار دوم و به صورت غیابی حکم اعدام وی صادر شد (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۸/۸؛ دهان، ۱۹۶۸: ۱۴۹). پس از آن زرکلی از مصر نیز رانده شد اما سروده‌های وی همچنان در محافل سیاسی و در میان مردم مصر دست به دست می‌گشت.

زرکلی در ۱۹۲۷ دچار بیماری شد و سه سال به استراحت پرداخت اما بیماری و فروش انتشارات مانع فعالیت‌های علمی فرهنگی وی نشد، و «الأعلام» را طی این سال‌ها تکمیل کرد (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۸/۸؛ کیالی، بی‌تا: ۱۲۹؛ دهان، ۱۹۶۸: ۱۵۰). در همین دوره به دعوت ملک عبد‌العزیز پادشاه عربستان که به تازگی اداره امور کشور را به دست گرفته بود، سفری به حجاز داشت و مدتی را در آنجا گذراند و از حمایت عبد‌العزیز برخوردار شد.

این سفر برای زرکلی بسیار سودمند بود و میان او و پادشاه عربستان روابط بسیار نزدیکی پدید آمد که سالیان دراز ادامه یافت (کیالی، بی‌تا: ۱۲۹-۱۳۰).

تأسیس روزنامه «الحیة» و «یافا»

وی در ۱۹۳۰ عازم بیت المقدس شد و با همکاری دو تن از دوستانش روزنامه «الحیة» را تأسیس کرد و هم‌زمان به عضویت مجمع علمی عربی دمشق نیز درآمد، و چون روزنامه الحیة از سوی نیروهای اشغالگر انگلیسی تعطیل شد، بلافاصله با همکاری ابراهیم طوقان، عبد الکریم الکریمی و سامی سراج روزنامه «یافا» را تأسیس کرد (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۸/۸؛ جبری: ۲۴۵).

زرکلی در ۱۹۳۴ از سوی ملک عبد العزیز به عنوان مشاور امور سیاسی و وکیل عربستان سعودی در قاهره منصوب شد و پس از این انتصاب دوران روزنامه نگاری وی تقریباً به پایان رسید و به صورت رسمی وارد دنیای سیاست شد (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۸/۸؛ بکری، بی تا: ۱۴۷).

زرکلی طی چند سفر به حجاز توانسته بود اعتماد خاندان آل سعود را به خود جلب کند و این ارتباط در زمان ملک عبد العزیز مستحکم‌تر و دوستانه‌تر شد تا آنجا که ملک عبد العزیز زرکلی را «خیری» خطاب می‌کرد. زرکلی در لابه‌لای آثار و اشعار خود بارها به این روابط صمیمانه و ارادت خود نسبت به خاندان آل سعود و به ویژه ملک عبد العزیز اشاره کرده است (زرکلی، ۱۹۸۰: ۳۴۷-۳۴۸، ۳۴۴، ۳۰۲-۳۰۵).

این ارتباط نزدیک بین زرکلی و ملک عبد العزیز چندین استوار بود که وی به عنوان نماینده عربستان سعودی در اجلاس تشکیل اتحادیه کشورهای عربی برگزیده شد و در ۱۹۴۶ به عنوان نماینده وزیر امور خارجه در جده و نماینده رسمی عربستان در اتحادیه کشورهای عربی مشغول به کار شد و در همین زمان به عضویت مجمع علمی عربی مصر در آمد و از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۷ به مدت شش سال وزیر مختار و نماینده دائم عربستان در اتحادیه کشورهای عربی بود (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۸/۸).

در ۱۹۵۷ و پس از اتمام دوران نمایندگی در اتحادیه عرب، به عنوان سفیر عربستان سعودی در مغرب برگزیده شد و در آنجا با نویسندگان مشهور کشور مغرب همچون محمد مختار سنوسی، محمد ابراهیم کتانی و محمد المنونی و ابوبکر تطوانی آشنا شد. آشنایی وی با این افراد برایش مایه خیر و برکت بود زیرا آنان وی را در گردآوری منابع لازم برای نوشتن شرح حال علمای مغرب و اندلس در کتاب «الأعلام» یاری بسیار کردند

و کتاب‌ها و نسخه‌های خطی فراوانی در اختیار او قرار دادند. وی میان سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۰ هم‌زمان با مشاغل سیاسی، عضویت مجمع علمی عراق را نیز عهده‌دار بود. این دوره از زندگی زرکلی دوران آرامش و ثبات به شمار می‌رود که طی آن علاوه اشتغال به کارهای سیاسی از فعالیت‌های علمی نیز دست برداشت. چنانکه در همین زمان فرصتی فراهم شد تا بتواند کتاب «الأعلام» را غنای بیش‌تر بخشد و چاپ دوم آن را در ده مجلد به چاپ رساند. همچنین در قاهره کتابخانه‌ای را بنیان نهاد و نسخه‌های نفیس بسیاری در آن گردآوری کرد. وی برای دستیابی به کتاب‌های نادر و نفیس به کشورهای بسیاری سفر کرد و به مطالعات و فعالیت‌های علمی پرداخت تا اینکه بیش از ۵۰۰۰ نسخه خطی در کتابخانه خود فراهم آورد که نویسندگان بسیاری در نگارش آثار خود از آن‌ها استفاده کرده‌اند از جمله فؤاد سید، محمد رشاد عبد اللطیف، احمد خیری، ابراهیم شبح و عبد العزیز میمنی.

انتشار کتب جدید از زرکلی

وی در ۱۹۶۳ به ریاض فراخوانده شد و از ملک فیصل خواست تا با بازنشستگی او موافقت کند اما وی نپذیرفت.

سپس از پادشاه مرخصی خواست تا برای مدتی مناصب سیاسی را رها کند و به اتمام کتاب «شبه الجزيرة العربية فی عهد الملک عبد العزیز» پردازد. در پی موافقت وی زرکلی رهسپار بیروت شد و به این کار مشغول شد. در این زمانی که ظاهراً بیماری‌اش رو به وخامت نهاده بود، بسیاری از فعالیت‌های سیاسی-فرهنگی را فرو نهاد و برای مدتی نسبتاً طولانی به استراحت پرداخت (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۶۹/۸). با این همه وی در ۱۹۷۰ این کتاب و نیز خلاصه آن با نام کتاب «الوجیز فی سیرة الملک عبد العزیز» را در بیروت تألیف و منتشر کرد. از دیگر فعالیت‌های وی در این دوره چاپ جدید «الأعلام» با ملحقات آن بود.

وی در بیروت برای تکمیل آثار خود از کسانی چون حمد الجاسر و ظافر القاسمی و زهیر الشاویش یاری خواست و آنان برخی آثار و نوشته‌ها و نسخه‌های خطی را در اختیار وی گذاشتند که کمک شایانی به تألیف بخش‌هایی از «الأعلام» و ملحقات آن بود. در

این مدت به اقامت در لبنان اکتفا نکرد و میان بیروت و دمشق و قاهره و عربستان سعودی در رفت و آمد و چندین بار نیز برای مداوا به سویس سفر کرد.

وفات زرکلی

زرکلی از ۱۹۶۷ تا ده سال پس از آن با بیماری قلبی دست به گریبان بود. در اوایل ۱۹۶۷ وی دچار اغما شد و چند روز را در بیمارستان دانشگاه آمریکائی بیروت بستری شد و پس از آنکه بهبودی نسبی به دست آورد، به دمشق رفت و مدتی را در آنجا به استراحت پرداخت و دوران نقاهت خود را در آنجا گذراند. سپس برای دیدار با فرزند و برادرانش روانه قاهره شد و در همانجا بود که دوباره دچار عارضه قلبی شد و به بیمارستان منتقل گردید و سرانجام در سوم ذیحجه سال ۱۳۹۶ ق مصادف با بیست و پنجم اوت ۱۹۷۶ (میلادی) دار فانی را وداع گفت و در قاهره به خاک سپرده شد (ارناووط: ۱۹۹). او پیش‌تر کتابخانه ارزشمند خویش را به دانشکده ریاض تقدیم کرده بود (رمضان: ۱/۱۶۷).

جایگاه علمی و اجتماعی زرکلی

زرکلی نویسنده، فعال سیاسی، شاعر و مورخی پر کار و دارای پشتکار بود. فضیلت علمی وی بر نویسندگان و روشنفکران عصر خود پوشیده نبود. وی از یک سو با اشعار سیاسی - اجتماعی خود و نیز راه اندازی روزنامه‌ها و مجلات متعدد سعی در آگاه‌سازی اذهان عمومی و به خصوص مردم سوریه و مصر داشت که توفیق بسیاری در این زمینه به دست آورد، و از سوی دیگر با تألیفات خود که در رأس همه آن‌ها دانشنامه وزین و ارزشمند «الأعلام» قرار داشت، خدمت علمی و فرهنگی بزرگی در حق دانش‌پژوهان عصر خود و نسل‌های آینده انجام داد. موقعیت و جایگاه علمی وی نه تنها در مصر و سوریه که در همه کشورهای عربی شناخته شده بود، از این رو در ۱۹۳۰ به عضویت مجمع علمی عربی دمشق و در ۱۹۴۶ به عضویت مجمع علمی زبان عربی در قاهره و در ۱۹۶۰ به عضویت مجمع علمی عراق در آمد. وی در طول عمر خود علاوه بر سرزمین‌های عربی به کشورهای انگلیس، آمریکا، فرانسه، ترکیه، ایتالیا، یونان و سوئیس

سفر کرد. هدف وی از این سفرها بیش تر آشنایی با مراکز علمی و فرهنگی، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ دنیا بود و در نتیجه این سفرها اولاً تجارب علمی بسیاری کسب کرد که به تدریج بر رویکردها و گرایش‌های شخصی وی تأثیر فراوان گذاشت و ثانیاً به گردآوری کتاب‌ها، آثار و نسخه‌های خطی فراوانی همت گماشت که هم دستمایه اصلی خود وی در تألیف آثارش شد و هم دیگر نویسندگان و دانش‌پژوهان در نوشته‌های خود از آن‌ها استفاده فراوان کردند. وی گاه برای دستیابی به یک کتاب یا یک نسخه خطی از شهری به شهری دیگر سفر می‌کرد چنانکه یک بار در استانبول در پی کتاب خاصی بود که چون اطلاع یافت نسخه‌ای از آن در شهر مانيسا(مغنیسه) ترکیه است، درنگ نکرد و با سختی بسیار رنج سفر را بر خود هموار ساخت و در آنجا به گفته خود او به غنی‌ترین کتابخانه خاورمیانه که تا آن زمان ناشناخته بود، دست یافت.

زرکلی چند سال پیایی تابستان‌ها را در آنجا گذراند و به تحقیق و بررسی نسخه‌های خطی آن پرداخت. وی بیش از ۵۰۰۰ نسخه خطی ارزشمند را گردآوری کرد که بخشی از این میراث ارزشمند را در دانشگاه ریاض و بخشی دیگر را در کتابخانه‌های مصر و سوریه به یادگار گذاشت که همچنان مورد استفاده محققان و نویسندگان است(رمضان، ۱۶۷/۱-۱۶۸).

اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر زرکلی

نویسندگان و مورخان معاصر کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی را به هفت دوره تقسیم می‌کنند: عصر جاهلی، عصر اسلامی یا عصر صدر اسلام و خلفای راشدین، عصر اموی، عصر عباسی، عصر انحطاط، دوره نهضت، عصر حاضر(نویسندگان گاه از عصر نهضت تا امروز را به طور کلی دوره معاصر یا عصر حاضر می‌نامند).

در اواخر قرن ۱۸ میلادی کشورهای عربی از جمله مصر، لبنان، سوریه و عراق جزء قلمرو پهناور دولت عثمانی به شمار می‌رفتند تا اینکه در ۱۷۹۸ میلادی با ورود ناپلئون به مصر این کشور از زیر سلطه عثمانیان به در آمد و مقدمات آشنایی مصریان با فرهنگ و تمدن اروپا آغاز گردید(زیات، ۱۹۸۷: ۴۱۵). نخستین گام‌ها در راه پیشرفت و شکوفایی از زمان روی کار آمدن محمد علی پاشا خدیو مصر در ۱۸۰۵/۱۲۲۰ میلادی برداشته

شد. وی برای بالا بردن سطح فرهنگی جامعه در اولین اقدام تمام تلاش خود را به آموزش و پرورش معطوف داشت و گروهی از معلمین فرانسوی را در مدارس به کار گمارد و از سوی دیگر تعدادی از دانشجویان دانشگاه «الآزهر» را به اروپا و به خصوص فرانسه اعزام کرد، و آنان پس از اتمام تحصیلات خود به وطن بازگشتند و با ترجمه آثار فرانسوی به عربی توسط آنان ارتباطی نزدیک میان مصر و تمدن اروپا برقرار گردید. به تدریج مراکز علمی و تحقیقاتی، کتابخانه‌ها و نیز مدرسی که بر اساس نظام آموزش و پرورش کشورهای اروپایی اداره می‌شد، راه اندازی شد. اما چندی نگذشت که با درگذشت محمد علی پاشا و روی کار آمدن جانشینان وی که به ادبیات و فرهنگ چندان توجهی نداشتند، تقریباً تمام فعالیت‌ها و طرح‌هایی که او برای پیشرفت علمی و فرهنگی کشور تدارک دیده بود، متوقف گردید. تا اینکه/سماعیل پاشا در ۱۸۶۳/۱۲۸۰ زمام امور را در کشور به عهده گرفت و مدارس و مراکز علمی که به حال تعطیل و تعلیق در آمده بود، را بازگشایی کرد و به توسعه آن‌ها همت گماشت و دوباره ارتباط میان مصر و کشورهای برقرار گردید و دانشمندان و محققانی که از کشورهای اروپایی به آنجا سفر می‌کردند و نیز اعزام دانشجویان به اروپا و بازگشت آنان به کشور نوید توسعه فرهنگی و علمی را می‌داد و این سیر پیشرفت ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۸۸۲ میلادی انگلیسی‌ها بر مصر تسلط یافتند و در نتیجه دوباره کلیه این فعالیت‌ها متوقف گردید. آنان از اعزام دانشجویان به خارج ممانعت کردند، تحصیل رایگان را ملغی ساختند و شیوه آموزش و پرورش را تغییر دادند(همان: ۴۱۷).

تا اینکه گروهی از مبارزان و فعالان سیاسی و اجتماعی به مخالفت با سیاست‌های استعماری برخاستند و در مقابل انگلیسی‌ها ایستادگی کردند و سرانجام این انقلاب‌ها و اعتراضات به نتیجه رسید، و با تصویب قانون سال ۱۹۲۳ میلادی موفقیت‌های چشمگیری نصیب آنان گردید و بعد از مواجهه با حوادث و وقایع بسیار مصر به تدریج استقلال خود را به دست آورد(زیدان، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۳).

در این دوره بیش‌تر نویسندگان، شاعران و روشنفکران سوری و لبنانی به علت فشارهای دولت عثمانی وطن خود را ترک کردند و به قاهره مهاجرت کردند. مصر در این زمان زیر سایه دولت محمد علی پاشا از نوعی خودمختاری برخوردار بود.

از جمله این مهاجران *ابو خلیل القبانی*، *عبد الرحمن کواکبی* و *جرجی زیدان* را می‌توان نام برد. آنان در مصر در کنار *محمود سامی بارودی*، *حافظ ابراهیم*، *احمد شوقی* و *مصطفی صادق الرفاعی* نهضت ادبی را به پا کردند و ادبیات عربی در عرصه شعر و نثر تحت تأثیر این نهضت قرار گرفت. سپس شاعرانی همچون *خیرالدین زرکلی*، *محمد البزم*، *شفیق جبری* و *خلیل مردم* و *عمر ابو ریشه* و *بدوی الجبل* بدان پیوستند. در این میان *خیرالدین زرکلی* صدای شاعرانه مردم سوریه و تنها شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگاری بود که در طول حیات اجتماعی و سیاسی خود لحظه‌ای دنیای ادبیات و سیاست را ترک نگفت، و چندین روزنامه و هفته‌نامه را اداره می‌کرد که به علت سیاست‌های استبدادی هیچ کدام برای مدت زمانی طولانی دوام نیافت. *زرکلی* نه تنها صدای شاعرانه مردم سوریه بلکه نماینده شاعران سوریه نیز به شمار می‌رود و *احمد الجندی* درباره وی می‌گوید: «*کان خیرالدین الزرکلی لسوریه شاعرها الخاص إلی جانب حافظ وشوقی المصریین والرصافی والزهاوی العراقیین وبشارة الخوری وشبلی الملاط وخلیل مطران اللبنانیین*».

تحولات ادبی عصر زرکلی و مکتب‌های شعری عصر نهضت

وقتی سخن از ادبیات به میان می‌آید نخستین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود شعر و نثر است که دو رکن اصلی و مهم ادبیات به شمار می‌رود که از گذشته‌های دور مورد توجه عرب‌ها بوده است. عرب‌ها از دوران پیش از اسلام به خوبی با ادبیات و به‌ویژه شعر آشنایی داشته‌اند و اشعار و قصایدی که در آن دوران سروده شده است در کنار برخی خطبه‌های مشهور خطیبان به ادبیات جاهلی شهرت دارد. این اشعار در طول تاریخ با اضافه شدن مجموعه‌هایی از نثر عربی همواره دچار تحول و دگرگونی شده تا به عصر حاضر رسیده است. اما تاریخ ادبیات عربی هیچ‌گاه به اندازه دوران معاصر شاهد تغییر و تحول نبوده است (فاخوری، ۱۳۶۱: ۴/۴۱؛ شکعه: ۷۳۹؛ پاشا: ۸۵).

مورخان تاریخ ادبیات عرب دوره معاصر را به دو بخش عصر نهضت و عصر حاضر تقسیم می‌کنند. پیش از عصر نهضت یعنی در عصر انحطاط تقریباً هیچ‌گونه تغییر و تحولی در عرصه ادبیات عربی به وجود نیامد و بیش‌تر شاعران و نویسندگان بدون هیچ

ابداع و ابتکاری از شیوه‌ها و اسالیب شاعران و نویسندگان پیشین به‌خصوص بزرگان شعر و نثر دوره عباسی تقلید می‌کردند. نظم و نثر عربی در سراسر سده‌های ۷ تا ۱۳ قمری با نوعی رکود و رخوت همراه بود. اشعار شاعران عموماً از هرگونه زیبایی هنری، نوآوری، احساس، ذوق شاعرانه و خیال‌پردازی بی‌بهره بود و در میان انبوهی اشعار که از این دوران باقی مانده، چیزی جز تقلید از شعر کهن عربی به چشم نمی‌خورد و به ندرت می‌توان به ابیاتی با معانی زیبا، بدیع و دل‌انگیز دست یافت (ضیف، ۱۹۶۰: ۳۸؛ رکابی: ۱۵۰؛ زیات: ۴۰۳؛ عبدالجلیل: ۲۵۰).

بیش‌تر شاعران زیورهای لفظی و صنایع بدیعی را بر معانی عمیق ترجیح می‌دادند و به نوعی بازی با کلمات روی می‌آوردند و افراط در استفاده از آرایه‌های لفظی سروده‌های آنان را بسیار سبک، سخیف و ملال آور می‌نمود. همچنین استفاده از کلمات عامیانه و گاه غیر عربی که به مذاق ممدوحان خوش می‌آمد، در اشعار این دوره رونق فراوان یافت (ابشیهی، ۱۳۶۷: ۴۴۸/۲؛ زیدان، ۱۳۹۵: ۱۱۷/۳؛ رکابی: ۱۴۴؛ فاخوری، ۱۳۶۱: ۸۶۴).

جایگاه تألیفات در هم‌عصران زرکلی

در این دوره اگر شعر و ادب عربی رو به ضعف و انحطاط نهاد و از ابداع و ابتکار تهی شد، در عوض تألیف دایرة المعارف‌ها، لغتنامه‌های عمومی، جنگ‌های ادبی و تدوین زندگینامه‌ها و کتاب‌هایی بزرگ که دربردارنده شرح احوال شخصیت‌های برجسته علمی و ادبی بود، به طور چشمگیری رونق یافت و از همین رو این دوره در تاریخ ادبیات عرب به عصر موضوعات شهرت یافت. نویسندگان در این روزگار به جمع‌آوری و تدوین دانش‌های گوناگون که طی قرن‌ها روی هم انباشته شده بود، پرداختند و بر آن شدند تا همه آن‌ها را در جنگ‌ها و مجموعه‌هایی بزرگ گردآوری و نظام‌مند کنند. مهم‌ترین این مجموعه‌ها عبارتند از «نهاية الارب في فنون الادب» از شهاب‌الدین نویری (۷۳۲ ق)، «صبح الأعشى في صناعة الإنشاء» از قلقشندی (۸۲۱ ق)، «المستطرف في كل علم مستطرف» از ابشیهی (۸۵۰ ق)، «غرر الخصاص الواضحة» از جمال‌الدین وطواط (۷۱۸ ق)، «حياة الحيوان» از دمیری (۸۰۸ ق). هر کدام از آن‌ها را می‌توان یک دایرة المعارف بزرگ به حساب آورد. بنابراین علی‌رغم رکود علمی و ادبی در عصر انحطاط،

دایرة المعارف نویسی رونق یافت و تألیف کتاب‌هایی در چندین جلد در زمینه‌های گوناگون ادبی، شعری، تاریخی و لغوی پدید آمد (زیدان، ۱۳۹۵: ۱۴۸/۳؛ فاخوری، ۱۳۶۱: ۸۷۱).

ورود ناپلئون و تأثیر وی بر ادبیات دوره زرکلی

با ورود ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ زمینه آشنایی عرب‌ها با اروپائیان فراهم شد و شاعران و نویسندگان عرب با سفر به کشورهای اروپایی و تحصیل در دانشگاه‌های آنجا با شاعران و نویسندگان غربی آشنا شدند و تحت تأثیر فرهنگ و ادبیات اروپا نهضتی ادبی در مصر، سوریه، عراق و لبنان پدید آمد که نتایج بسیار مثبتی برای ادبیات عربی در همه عرصه‌ها از جمله شعر، نثر، داستان نویسی، نمایشنامه نویسی و روزنامه نگاری به بار آورد (شکعه: ۷۳۹). کتاب‌های تاریخ ادبیات معاصر عوامل متعددی را در رشد و تعالی ادبیات عرب در عصر نهضت برشمرده‌اند که به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تأسیس کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی
۲. ورود صنعت چاپ به کشورهای عربی به‌خصوص مصر و راه‌اندازی چاپخانه‌ها
۳. اعزام دانشجویان از مصر، سوریه، لبنان و عراق به کشورهای اروپایی
۴. دعوت از استادان اروپایی به دانشگاه‌های مصر
۵. ترجمه آثار مشاهیر اروپایی به عربی که راه را برای نویسندگان و تألیف آثار ادبی و علمی جدید باز کرد
۶. تأسیس فرهنگستان‌های علمی ادبی به شیوه مجامع علمی غربی (هداره: ۲۶۶-۲۶۹).

اعزام دانشجویان به کشورهای اروپایی یکی از عمده‌ترین عوامل پیدایش تحولات اساسی در ادبیات عربی بود. زیرا این گروه از دانشجویان در دانشگاه‌های کشورهای غربی با شاعران، نویسندگان و محققان غربی و به تبع آن با زبان و فرهنگ و ادبیات اروپا آشنا شدند و پس از تکمیل تحصیلات دانشگاهی و آکادمیک به کشورهای خود بازگشتند و تحت تأثیر ادبیات غرب باعث تحولات و نوآوری‌هایی در عرصه‌های مختلف شدند و بدین ترتیب راه‌های ارتباط با دنیای غرب گسترش یافت. بیش‌تر شاعران و نویسندگان مشهور

همچون بارودی، زکی مبارک، طه حسین، نجیب محفوظ، توفیق الحکیم و زرکلی همه از جمله این گروه به شمار می‌روند.

بنابراین جریان‌ها و گرایش‌های جدید و متعددی در ادبیات عرب عصر نهضت پدید آمد و هر یک از شاعران و نویسندگان به یکی از این جریان‌ها روی آوردند. گروهی همچنان پیرو ادبیات کلاسیک باقی ماندند و شعر و نثر کهن عربی را نمونه والای ادبیات به شمار می‌آوردند و با هر نوع دگرگونی و تغییر به مخالفت برخاستند؛ و گروهی دیگر با تأثیرپذیری از ادبیات اروپا بر آن شدند تا طرحی نو در زمینه‌های مختلف ادبی دراندازند و به طور کلی ادبیات کلاسیک عربی را کهنه و فرسوده و خالی از هر نوع ابتکار و نوآوری می‌دانستند و معتقد بودند که شعر و نثر و دیگر انواع ادبی باید با همه مظاهر تمدن امروز سازگار و هم‌ساز باشد. آنان برای ایجاد این تغییر و دگرگونی جریان‌های ادبی جدید در اروپا را الگو و سرمشق خود قرار دادند. گروه سوم که تلفیقی از دو گروه مذکور بودند، راه میانه را برگزیدند و در عرصه شعر معتقد بودند که نباید از اوزان و قوافی شعر کهن عدول کرد بلکه هر تغییر و ابداعی در شعر باید محدود به مضامین و الفاظ باشد و قالب و ساختار سنتی شعر عربی باید محفوظ بماند (فاخوری، ۱۳۶۱: ۴۷-۴۴).

با اینکه لبنان از طریق مبلغان مسیحی اروپا زودتر از مصر با اروپائیان آشنا شده بودند، اما نقش آن در این نهضت ادبی بسیار محدودتر و کمرنگ‌تر از مصر بود. بنابراین مصر با توجه به جایگاه علمی و ادبی که در میان کشورهای عربی داشت مهم‌ترین نقش را در نهضت ادبی ایفا کرد (عنایت، ۱۲-۱۴؛ منصور، ۱۹۷۷: ۵۹). از این رو می‌توان گفت این نهضت بر دو رکن بزرگ استوار است:

۱. ارتباط با اروپا و تمدن درخشان آن

۲. ارتباط با میراث کهن عربی و به‌خصوص دستاوردهای ادبی دوره عباسی

اعزام گروه‌هایی از دانشجویان برای تحصیل در اروپا و به‌ویژه فرانسه باعث شد جوانان مصر با دنیای مدرن غرب و دستاوردهای ادبی و علمی آن آشنا شوند، و این آشنایی و ارتباط افقی جدید را به جوانان فرهیخته مصری و پژوهندگان که تا پیش از آن در محیط بسته و عقب‌مانده مصر در بی‌خبری و ناآگاهی به سر می‌بردند، نشان داد تا با

افکار و آراء و دیدگاه‌های مختلف و مکتب‌های گوناگون ادبی، علمی و فلسفی آشنا شوند. این گروه از جوانان چه آنان که برای همیشه در کشورهای اروپایی و نیز آمریکا ماندند و چه آنان که پس از اتمام تحصیلات خود به وطن بازگشتند (هر کدام به نوبه خود در پیشرفت و تعالی سطح فرهنگی جامعه مصر و تحولات ادبی آن سهیم بودند)؛ چه آنان کوشیدند نتایج تجربیات خود را که در اثر ارتباط با مستشرقان و تحصیلات عالی خود به دست آورده بودند، در اختیار هم‌وطنان خود و نسل‌های جوان‌تر قرار دهند (بدری: ۱). البته در این میان از عوامل دیگری که در تحولات ادبی و فکری نقش برجسته‌ای داشتند نباید غافل شد. یکی از این عوامل تحولات سیاسی بود که در مصر اتفاق افتاد. سیاست‌های جدید محمد علی پاشا در ایجاد تغییرات اساسی در آموزش و پرورش و اصلاح سیستم تعلیم و تربیت در مدارس و مراکز علمی که با تقلید از نظام‌های آموزش و پرورش اروپا صورت گرفت و همچنین دعوت از معلمان و آموزگاران اروپایی برای تدریس در مدارس مصر در این میان نقش بسیار مؤثری داشت (همان: ۲). برخی محققان معتقدند نتیجه ارتباط و آشنایی با اروپا و به تبع آن برقراری روابط متقابل ادبی میان ادبای عرب و نویسندگان و شاعران اروپایی تحولاتی بود که در زمینه نثر و شعر عربی پدید آمد که در ادامه و به طور جداگانه به تأثیر این روابط در هر دو زمینه می‌شود.

الف. تأثیر این ارتباطات بر نثر عربی

۱. آشنایی ادیبان و نویسندگان عرب با آثار مستشرقان باعث گسترش زمینه‌های مختلف، موضوعات و مضامین متنوع برای تألیف شد که از آن پس نویسندگان موضوعاتی مانند زندگی اجتماعی، مسائل سیاسی و فرهنگی را وجهه همت خود ساختند و به خلق آثاری در این زمینه‌ها پرداختند.

۲. در کنار این تحولات برخی موضوعات و انواع ادبی کهن که از دیرباز مورد پسند نویسندگان عرب بود مانند مقامه نویسی و رسائل در آثار ادبی جایگاه خود را از دست داد یا بسیار کمرنگ شد.

۳. در مقابل آن انواع ادبی جدیدی مثل داستان نویسی و نمایشنامه نویسی رونق بسیار یافت.

۴. در نتیجه این تحولات گروهی از نویسندگان با تأثیرپذیری از ادبیات اروپا و با تکیه بر عناصر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به تحلیل و بسط پژوهش‌ها و تحقیقات انجام‌شده، روی آوردند و نوشته‌های خود را عمق بیش‌تر بخشیدند.
۵. نوآوری در اسلوب نگارش و تصویرپردازی و دست کشیدن از تصنع و تکلف و گرایش به ساده نویسی و روانی از دیگر نتایج این ارتباط بود.

ب. تأثیر بر شعر

- آشنایی شاعران مصر با آثار شعری اروپا و شاعران برجسته غربی منجر به تحولاتی در عرصه شعر عربی شد که به اختصار در زیر ذکر شوند:
۱. پیدایش شعر «مسرحی» یا «تمایشی» و نمایشنامه‌های منظوم و به نظم درآوردن برخی حماسه‌ها.
 ۲. پیدایش مکاتب شعری جدید مانند مکتب کلاسیک، رومانیک و رئالیسم یا واقع‌گرایی.
 ۳. تحول در ساختار قصیده و گسترش اوزان و قوافی.
 ۴. ابتکار و نوآوری در صور خیال و گرایش به خیال‌پردازی‌های شاعرانه و خلق تصاویر کلی.
 ۵. رهایی از قیود تصنع و تکلف و آرایه‌های لفظی (ضیف، ۱۹۶۱: ۳۸-۴۲).

مکتب رئالیسم یا واقع‌گرایی و تأثیر آن بر ادبیات عرب

در فاصله میان دو جنگ جهانی اوج رونق و شکوفایی مکتب رومانتیسم بود اما پس از آن به سبب تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی و بروز عوامل جدید جریان رمانتیسم به تدریج فروکش کرد و گرایش به واقع‌گرایی یا رئالیسم قوت بیش‌تر گرفت. این مکتب که به «مدرسة الحر» نیز شهرت دارد پس از جنگ جهانی دوم یعنی بعد از ۱۹۴۵ سر بر آورد. شاعران رئالیست نوعی شعر را پایه‌گذاری کردند که از لحاظ مضمون و موضوع و شکل و ساختار کاملاً با شعر عربی گذشته تفاوت داشت و پیشگامان این مکتب بیش‌تر شاعران رمانتیک بودند که به واقع‌گرایی روی آورده بودند (بدری، بی‌تا: ۳؛ عبد الصفاء،

۱۵). نوآوری و تجدید که مکتب رئالیسم در پی آن بود مضمون شعر و ساختار آن را در برمی گرفت. شاعران این مکتب درباره مضمون شعر بر آن بودند که شعر جز بیان دردها و رنج‌های واقعی نیست.

موضوعی که در شعر باید به آن پرداخته شود چیزی جز زندگی نیست.

۱. شعر کاربردی انسانی و اجتماعی دارد و وظیفه شاعر در موارد زیر خلاصه می‌گردد؛ مبارزه با فساد و نفاق و عقب ماندگی در جامعه، پشتیبانی از نهضت‌هایی که در پی آزادی سیاسی و اجتماعی‌اند، تلاش برای فراهم ساختن زندگی بهتر در سایه صلح و عدالت.

۲. شاعران واقع‌گرا علاوه بر مضمون شکل قصیده و ساختار و موسیقی آن را نیز تغییر دادند و مهم‌ترین این تحولات عبارت است از تقسیم قصیده به چند مقطع، جایگزین شدن سطرهای شعری کوتاه و بلند به جای ابیات، تنوع و تعدد قوافی بدون نظم منطقی، اتکا بر موسیقی و نزدیک شدن ترکیب‌ها و واژه‌ها به زبان روز و پرهیز از واژه‌های نامأنوس.

۳. مهم‌ترین و مشهورترین شاعران این نسل عبارت‌اند از صلاح عبد الصبور و احمد عبد المعطی حجازی از مصر، فدوی طوقان و سلمی الخضراء از فلسطین؛ خلیل حاوی، یوسف الخال و علی أحمد سعید از لبنان (عبد الصفاء: ۱۷-۱۸).

به طور خلاصه مکتب‌های ادبی عصر نهضت عبارت‌اند از:

۱. مکتب نئوکلاسیک یا «مدرسة الإحياء والبعث»: نمایندگان آن عبارت‌اند از محمود سامی بارودی، أحمد شوقی، حافظ ابراهیم، أحمد محرم، علی الجارم، معروف الرصافی، جمیل صدقی الزهاوی، عبد المحسن الكاظمی، ابراهیم الیازجی، أمین نخله، أحمد الصافی النجفی، محمد مهدی الجواهری و خیر الدین الزرکلی.

۲. مکتب رمانتیسم که شامل «مدرسة الديوان» به نمایندگی عباس محمود عقاد (۱۹۶۴-۱۹۸۸)، عبد الرحمان شکری (۱۹۵۸-۱۹۸۸) و ابراهیم عبد القادر مازنی (۱۹۴۹-۱۸۹۰).

«مدرسه» یا «جماعت آپولو» و شاعران برجسته این گروه در مصر: أحمد زکی أبو شادی، ابراهیم ناجی، علی محمود طه، محمد حسن إسماعیل؛ در سودان تیجانی یوسف بشیر و در تونس أبو القاسم الشابی.

انجمن اهل قلم یا «الرابطة القلمیة» از معروف‌ترین چهره‌های آن: جبران خلیل جبران (۱۸۸۳-۱۹۳۱)، میخائیل نعیمه (۱۸۸۹)، ایلینا ابو ماضی (۱۹۷۵-۱۹۸۹) و نسیم عریضه.

«العصبة الأندلسیه» (گروه اندلسیان) مشهورترین شاعران آن: رشید سلیم الخوری، شفیق معلوف، ایلین فرحات.

۳. مکتب رئالیسم: مشهورترین شاعران آن: صلاح عبد الصبور، احمد عبد المعطی حجازی از مصر، فدوی طوقان، سلمی الحضره از فلسطین؛ خلیل الحاوی، یوسف الخال، علی احمد سعید از لبنان.

چاپ‌ها و تکمله‌های کتاب الأعلام

زرکلی «الأعلام» را نخستین بار در ۱۹۲۷ در ۳ جلد در مصر منتشر کرد و سپس در میان سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۶۹ بر مطالب آن به مرور افزود (دقاق: ۱۳۷-۱۳۸). چندان که این دانشنامه به همراه اضافات و اصلاحات مؤلف در ۱۰ جلد در ۱۹۵۴-۱۹۵۹ با مقدمه‌ای تازه در مصر منتشر شد (داغر، ۱۹۸۳: ۳۱۶). سپس وی در ۱۹۶۹ برخی تصاویر و دست‌نوشته‌های شخصیت‌ها را همراه با اصلاحاتی به عنوان «المستدرک» به آن افزود. آخرین چاپ «الأعلام» مشتمل بر ۸ جلد و در حدود ۱۹۰۰۰ مدخل پس از درگذشت زرکلی به کوشش زهیر فتح الله به انضمام مقدمه، اصلاحات، حواشی و یادداشت‌ها و زندگینامه خودنوشت مؤلف در ۱۹۷۹ در ۸ جلد توسط «دار العلم للملایین» منتشر شد (فتح الله، مقدمه؛ فریاطی، بی تا: ۹-۱۰؛ طناحی، ۱۹۸۵: ۸۲؛ رشید، ۲۰۰۱: ۱۵-۱۶).

علاوه بر این کسانی چون احمد بن دهمان و اسماعیل اکوع و حمد الجاسر در مقالاتی به تصحیح و تکمیل این اثر پرداخته، و مواردی را که زرکلی از قلم انداخته یادآور شدند و هر یک مقالات خود را به ترتیب در مجله «العرب» و «الریاض» به چاپ رساندند. همچنین عبد الوهاب جابی معجم «الأعلام» را در ۱۴۰۷ در ۱۰۰۰ صفحه و زهیر ظاظا ترتیب «الأعلام علی الأعوام» در ۲ جلد را در ۱۲۰۰ صفحه منتشر کردند. علاوه بر این محمد خیر رمضان یوسف» برخی شرح حال‌ها و دست‌نوشته‌ها و تصاویری جدید را در کتابی مستقل با نام «تتمة الأعلام» در ۳ جلد بیروت ۱۴۱۸ (دار ابن حزم) به

چاپ رساند. از آنجا که زرکلی شرح حال مشاهیر و شخصیت‌های برجسته را تا سال ۱۳۹۶ آورده است. محمد خیر رمضان با اتکا بر روزنامه‌ها و مطبوعات زندگینامه‌های بزرگان و دانشمندانی را که پس از این تاریخ زیسته‌اند، تا سال ۱۴۱۶ جمع آوری کرده و در این تتمه گنجانده است.

همچنین ذیل «الأعلام» از / احمد / علاونه در ۲ جلد (جده دار المناره) دربردارنده شرح حال و آثار کسانی است که پس از زرکلی به شهرت رسیده‌اند و آخرین شرح حال‌ها مربوط به سال ۱۴۲۱ است. اتمام «الأعلام» تکمله دیگری است که ریاض المالح و نزار / باظه در یک جلد تألیف کرده و در بیروت دار صادر ۱۹۹۹ به چاپ رسانده‌اند. این کتاب اگرچه از لحاظ اسلوب و شیوه کار از دیگر تکمله‌ها به «الأعلام» نزدیک‌تر است اما از نظم و ترتیب منطقی برخوردار نیست و متأسفانه مؤلفان دچار اشتباهات و لغزش‌های فراوان شده‌اند. «فوات الأعلام مع الاستدراکات» از / احمد / الرفاعی است که در ریاض سال ۱۴۲۰ منتشر شده است (رشید، ۲۰۰۱: ۱۷-۱۹).

با تمام این ستایش‌ها و در کنار مقالات بسیاری که درباره جایگاه والا و ارزشمند و پراهمیت این کتاب نوشته شده است، کتاب «الأعلام» همچون بسیاری از کتاب‌ها و تألیفات از نقد منتقدان مصون نمانده است. انتقاداتی که ناقدان به کتاب وارد کرده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی اشتباهات و اغلاطی که در زندگینامه برخی افراد و شخصیت‌ها رخ داده است. دیگری لغزش‌هایی که از لحاظ اسلوب و شیوه تألیف در کتاب دیده می‌شود.

در مورد نخست بیش‌تر اشتباهات منحصر است به اسامی اشخاص یا نسبت آنان و تاریخ ولادت یا وفات و یا اشتباه در نام کتاب یا انتساب یک اثر به کسی جز مؤلف آن محمد بن / احمد بن دهمان. این گونه اشتباهات و لغزش‌ها را یک جا گردآوری کرده و ضمن اصلاح آن‌ها در مجله «مجمع اللغة العربية» به چاپ رسانده است. همچنین / احمد علاونه در کتاب ذیل «الأعلام» (۳۲۹-۳۴۱) اغلاط و لغزش‌هایی از این دست را یادآوری و اصلاح کرده است. همچنین محمد بن عبد الله / الرشید کتابی مستقل را به اشتباهات و اغلاط کتاب «الأعلام» اختصاص داده و آن را «الأعلام به تصحیح کتاب الأعلام» نامیده است. / احمد علاونه بخشی دیگر از این گونه انتقادات را در کتاب «نظرات فی کتاب

الأعلام» آورده است. دسته دوم از انتقاداتی که بر کتاب «الأعلام» وارد دانسته‌اند در مورد تناقضاتی است که در شیوه کار و اسلوب زرکلی در نگارش شرح حال‌ها به چشم می‌خورد. برخی از محققان و منتقدان بر زرکلی خرده گرفته‌اند که وی در آوردن اسامی افراد سلیقه‌ای عمل کرده، و عرب‌گرایی در تألیف این اثر نقشی برجسته دارد به خصوص کینه و دشمنی وی نسبت به عثمانی‌ها باعث شده است که وی نام بسیاری از شخصیت‌های برجسته عثمانی همچون سلاطین، وزرا و امرا را از قلم انداخته است (فریاطی، ۱۱)؛ حال آنکه گاه برای کسانی که به دست سران عثمانی کشته شده‌اند از لفظ شهید استفاده کرده است مانند محمود جلال که چون بر عثمانی‌ها شورید و به دست آنان اعدام گردید، او را شهید نامیده است (زرکلی، ۲۰۰۵: ۱۳۲/۲). وی علاوه بر محمود جلال که علی‌رغم شهرت اندک وی زندگینامه‌اش را در «الأعلام» آورده، برای بسیاری از رهبران قبایل که بر ترک‌ها شوریده‌اند و از اهمیت و اعتبار چندانی برخوردار نبوده‌اند، زندگینامه‌ای نسبتاً مفصل تدارک دیده است؛ اما از ذکر نام برخی شخصیت‌های معروف تنها به دلیل ترک بودن آنان خودداری کرده است. نمونه واضحی که باعث شده منتقدان وی را مورد حمله بسیار قرار دهند و او را به نژادگرایی متهم سازند، ابن خلکان است که با اینکه زرکلی از کتاب «وفیات الأعیان» وی برای تألیف «الأعلام» بسیار بهره برده است و به گونه‌ای این کتاب اساس کار وی بوده، تنها به سبب وابستگی او به اتراک شرح حال وی را در کتاب خود نیاورده است (همان: ۱۱۳/۱، ۹۳/۵). شیخ بکر/بوزید معتقد است که چون عثمانی‌ها وی را مورد آزار و اذیت بسیار قرار دادند و مانع فعالیت‌های سیاسی و روزنامه نگاری وی شدند به‌ویژه که به خاطر چاپ عکسی از خلیفه مأمون در مجله «الأصمعی» این نشریه را تعطیل کردند (همان: ۲۶۷/۷)، وی از آنان و منسوبان به ایشان کینه به دل داشت و از این رو عمداً و نه سهواً از ذکر شرح احوال آنان در کتاب خود چشم‌پوشی کرده است.

انتقاد دیگری که بر زرکلی در تألیف «الأعلام» وارد کرده‌اند، این است که زرکلی در نوشتن شرح حال یک شخصیت، نظریات و آراء مورخان و منتقدان را درباره وی ذکر نکرده است و تنها به ذکر ولادت، وفات و مؤلفات وی پرداخته است (فریاطی، بی‌تا: ۱۱-۱۲). البته این انتقاد چندان موجه نیست زیرا او نیز همچون شرح حال نویسان کهن

داوری درباره شخصیت‌ها را شیوه کار خود قرار نداده است و آن را به خوانندگان و اهل تحقیق واگذار کرده است. زرکلی علاوه بر «الأعلام» آثار دیگری نیز دارد که برخی از آن‌ها هنوز به چاپ نرسیده است، بنابراین نخست فهرستی از آثار خطی وی را آورده و سپس به تألیفات چاپ‌شده او پرداخته خواهد شد.

الف. آثار خطی

۱. أدب البدهاء: شعرهم، ولغتهم، وشعراؤهم، وأبحاث تتعلّق بمذاهبهم فی اللّغة والشّعر
۲. الأمثال
۳. حکمة الشّعر وسحر البیان، مختارات من المنظوم والمنثور
۴. دروس الإنشاء، ثلاثة أجزاء لتعليم الإنشاء فی المدارس
۵. شعراء العرب فی القرن الرابع عشر
۶. صفحة مجهولة من تاریخ سوریه فی العهد الفیصلی
۷. الصیّب المنثال فی ما جاء علی وزن أفعل من الأمثال
۸. عامان فی عمّان (جزء دوم)
۹. معجم ما لیس فی المعاجم
۱۰. الملک عبد العزیز فی ذمّة التاریخ
۱۱. الملک حسین: نسبه، وترجمته، وأخلاقه، وعاداته، ومجمل تاریخ حیاته

ب. آثار چاپی

۱. «مجدولین والشاعر»؛ که داستانی کوتاه و شعرگونه است و در دمشق، ۱۹۱۹ به چاپ رسیده است.
۲. «ما رأیت وما سمعت»؛ این اثر در واقع سفرنامه وی از دمشق به مکه و طایف و قاهره می‌باشد که در ۱۹۲۳ در قاهره به چاپ رسیده است. این کتاب حاوی مطالبی تاریخی است که برای محققان در تاریخ سیاسی عرب‌ها در عصر حاضر بسیار سودمند است.
۳. «عامان فی عمان» (۱۹۲۵)؛ این کتاب شامل خاطرات زندگی وی در عمان است. زرکلی از سوی دولت عربستان سعودی مأموریت داشت تا برای تشکیل دولت عمان و تثبیت و تقویت ارکان آن دو سال را در عمان بگذراند. وی خاطرات خود را در این دو

سال به رشته تحریر درآورد و نام آن را دو سال در عمان (عامان فی عمان) گذاشت. این کتاب گوشه‌هایی از تاریخ معاصر عمان را روشن می‌سازد که منبعی موثق برای تحقیق در مسائل سیاسی و تاریخی معاصر عرب به شمار می‌آید.

۳. «دیوان»؛ که در بیروت ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م منتشر شده است.

۴. «الوجیز فی سیرة الملک عبد العزیز» (بیروت ۱۹۷۲م)؛ زرکلی در این کتاب زندگینامه ملک عبد العزیز پادشاه عربستان را همراه با برخی حوادث تاریخی آن دوره آورده است.

۵. «شبه الجزيرة العربية فی عهد الملک عبد العزیز» در ۳ جلد بیروت ۱۹۷۰. وی این اثر را پس از دیدار با ملک عبد العزیز در زمستان ۱۹۶۴ تألیف کرده است (زرکلی، ۱۹۷۷: ۱۸). مؤلف در این کتاب با مبالغه بسیار به تجلیل و ستایش از خاندان آل سعود پرداخته و حوادث سیاسی و تاریخی حدود نیم قرن از تاریخ معاصر عربستان را آورده است.

۶. «وفاء العرب»؛ نمایشنامه‌ای است که در ۱۹۱۴ منتشر شده، از آن پس چندین بار در بیروت اجرا شده است.

۷. «الإعلام بمن لیس فی الأعلام»؛ که هنوز به چاپ نرسیده است.

وی دو اثر با نام‌های «صفحة مجهولة من تاریخ سوريا فی العهد الفیصلی» و نیز «الملک عبد العزیز فی ذمة التاريخ» داشته که تا کنون به چاپ نرسیده است (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۷۰/۸). وی همچنین مجموعه بزرگی درباره تاریخ و ادبیات عربی از قدیم تا دوران معاصر داشته است که به گفته مؤلف نه نامی برایش برگزیده و نه منتشر شده است (زرکلی، ۲۰۰۵: ۲۷۰/۸). روئیس نیز دو اثر به وی نسبت داده است: کتاب «نظراتی ومذکراتی» که زرکلی در آن به بررسی آراء و نظرات امیر عبد الله پادشاه اردن پرداخته و امیر به دلایلی مانع چاپ آن شده است. وی همچنین کتاب «رحلة الزرکلی من القاهرة الی الثوار السوریین» داشته که اثری از آن باقی نمانده است.

نتیجه بحث

زبان عربی گذشته از پیوند هزار و چند ساله‌اش با زبان فارسی، زبان دین ماست و لذا برای بررسی آن حتماً لازم است که ادبیات عرب و تاریخ ادبیات عرب بررسی شود. تا

دوره‌های ادبی از جاهلیت تا عصر ما و آثار هر عصر و نیز عوامل فرهنگی و غیر فرهنگی مؤثر در آن، کاملاً روشن شود و تمام خطوط و جزئیات شخصیت روانی و اجتماعی و هنری ادبا به وضوح تصویر شود. عرب‌ها واژه ادب را در معانی مختلفی به کار می‌برند، در زمان جاهلیت به معنی دعوت به طعام مهمانی (مأدبه) بود و در جاهلیت و اسلام به خلق کریم و حسن معاشرت با خواص و عوام به کار می‌رفت. سپس بر تهذیب نفس و آموزش صفات پسندیده و معارف و شعر اطلاق شد. در قرن نهم میلادی و قرون بعد از آن همه علوم و فنون را از فلسفه و ریاضیات و نجوم و کیمیا و طب و اخبار و انساب و شعر و جز آن را از آن گونه معارف والا که در بهبود بخشیدن به روابط اجتماعی به کار می‌آید در بر می‌گرفت. ادب عربی قدیم از شعر حماسی و تمثیلی خالی است. زیرا قوم عرب کم‌تر شهرنشین بود و بیش‌تر به واقعیت‌گرایی داشت و از این رو تخیلش بارور نشده بود. از طرف دیگر شیوه کسب روزی به وسیله شعر که در میان شاعران قوم رواج گرفت، جائی برای سرودن اشعار حماسی و تمثیلی باقی نگذاشت. با این همه اگرچه ادب عربی از آثار حماسی بلند و طولانی خالی است از قصائدی که در آن‌ها روح حماسی می‌باشد خالی نیست. اما فنون ادبی نثری عبارت‌اند از تاریخ و خطابه و قصه و تعلیم و رسائل.

بیش‌تر محققان و دانشجویان زرکلی را با کتاب «الأعلام» می‌شناسند. حال آنکه وی ادیب، روزنامه نگار و شاعری با چندین اثر ادبی و نیز دیوان شعری است که هر کدام در جای خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سبک نگارش وی در آثار ادبی همچون «الوفاء» (داستان)، «ما رأیت وما سمعت» و نیز «ماجدولین» و «الشاعر» در خور اهمیت بسیار است و علاوه بر این با بررسی دیوان شعر وی می‌توان گفت اشعار وی که بیش‌تر دارای مضامین اجتماعی و سیاسی است گرچه به شیوه تقلیدی و سنتی سروده شده است اما از ابتکار و نوآوری تهی نیست. به ویژه وی از نخستین شاعرانی است که تعبیرات و اصطلاحات جدید و برخی از مظاهر تمدن را در اشعارش به کار برده است. از همین رو می‌توان وی را شاعری نوپرداز و نوگرا به شمار آورد.

کتابنامه

- ابشیهی. ۱۳۶۷ش، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- آل جندی، ادهم. ۱۹۵۴م، *اعلام الأدب والفن*، سوریه: بی نا.
- بعلیکی، منیر. ۱۹۹۲م، *الزرکلی*، در فرهنگ زندگینامه المورد، بیروت: دار العلم للملایین.
- ثعالبی نیشابوری، ابو منصور عبد الملک. ۱۹۹۸ش، *دیوان الثعالبی*، بیروت: دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع.
- ثعالبی، ابو منصور. ۱۹۸۳م، *یتیمه الدهر*، بیروت: بی نا.
- الجادر، محمود عبدالله. ۱۹۹۰ش، *دیوان اشعار ثعالبی*، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة.
- جمیل قنبس، اکرم. ۲۰۱۱م، *خیر الدین الزرکلی شاعر الوطن*، دمشق: بی نا.
- دهان، سامی. ۱۹۶۸م، *الشعراء الاعلام فی سوریه*، بیروت: بی نا.
- زرکلی، خیر الدین. ۱۹۷۷م، *شبه الجزيرة فی عهد الملك عبد العزيز*، بیروت: بی نا.
- زرکلی، خیر الدین. ۱۹۸۰م، *دیوان*، به کوشش سلیم زرکلی، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- زرکلی، خیر الدین. ۲۰۰۵م، *الأعلام*، جلد ۸، الطبعة ۱۶، بیروت: دار العلم للملایین.
- زیات، أحمد حسن. ۱۹۸۷م، *تاریخ الأدب العربی*، بیروت: بی نا.
- زیدان، جرجی. بی تا، *تاریخ آداب اللغة العربیة جرجی زیدان*، الکترونیک: دار الهلال.
- سمیعی (گیلانی)، احمد. ۱۳۸۵ش، *فرهنگ آثار ایرانی اسلامی*، معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر، تهران: سروش.
- ضیف، شوقی. ۱۹۶۱م، *الأدب العربی المعاصر فی مصر*، الطبعة ۱۲، مصر: دار المعارف.
- طناحی، محمود محمد. ۱۹۸۵م، *الموجز*، قاهره: بی نا.
- عیاش، عبد القادر. *معجم المؤلفین السوریین*، بیروت: دار الفکر.
- فاخوری، حنا. ۱۳۶۱ش، *تاریخ ادبیات*، ترجمه آیتی، تهران: توس.
- فریاطی، دائر. بی تا، *مع العلامة الزرکلی فی کتابه الأعلام*، ریاض: بی نا.
- کیالی، سامی. بی تا، *الأدب العربی المعاصر فی سوریه*، بی جا: بی نا.

Bibliography

- Abshihi, Baha Al Din (1367), Great Islamic Encyclopedia, Tehran: Great Islamic Encyclopedia Centre.
- Al Jandi, Adham (1954), A'alam al Adab va Al Fan, Syria, Bi na.
- Al Balbaki, Monir (1992), Zirikli in Al Mawred Biography Culture, Beirut, Dar al Elm Li Al Malaeen Publication.
- Abu Manşūr 'Abd ul-Malik, Al Tha'alibi Neishabouri (1998), Al Tha'alibi's Diwan, Beirut.

- Al Tha'alibi, Abu Mansour (1983), Yatimah Al Dahr, Beirut, Bi na.
Al-Jader, Mahmoud Abdullah (1990), Al Tha'alibi's Diwan, Baghdad.
Jamil Qonbos, Akram (2011), Khair al-Din al-Zirikli hometown's Poet, Damascus, Bi na.
Al-Zirikli, Khair al-Din (1977), Peninsula in Abdul Aziz Era, Beirut, Bi na.
Al-Zirikli, Khair al-Din (1980), Diwan, Al Resalah Institute.
Al-Zirikli, Khair al-Din (2005), Al A'alam, Volume 8, Beirut, Dar al Elm Li Al Malaeen Publication.
Ziyat, Ahmad Hassan (1987), Arabic Literature History, Beirut, Bi na.
Zeidan, Jorji, History of Arabic Vocabulary, Electronic, Dar Al helal.
Samiei, Ahmad (1385), Culture of Islamic Iranian works, Tehran, Soroush Publication.
Kiali, Sami, Contemporary Arabic literature in Syria, Bi na.

A Study on Effects of Political – Social Evolutions on Khair al-Din al-Zirikli and his Contemporaries

Fatemeh Qajar

PhD, Arabic Language & Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Enayatollah Fatehi Nezhad

Associate Professor, Faculty Member, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Abstract

Khair al-Din al-Zirikli is a multidimensional character who was active in various political, literal, historical and social fields. His most important work which is titled "*Al-A 'lām*", is about scholars and celebrities' lives from ancient to the contemporary era and is of such a familiarity that affects all his life's aspects specially his literary and poetic aspect. The present paper studies his life style and works in his life time and after death.

Keywords: Zirikli, Arab contemporary history, Arabic literature.